

تبیین راهبردی جایگاه ایران در ساختار ژئوپلیتیکی جدید خاورمیانه

از ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰

علی اکبر مازندرانی

دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

علی اصغر اسماعیل پورروشن^۱

استادیار جغرافیای سیاسی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

ریباز قربان نژاد

اسکادیار جغرافیای سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مجید ولی شریعت پناهی

دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۶/۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۹/۱۵

چکیده

در حال حاضر موقعیت ایران در حوزه ژئوپلیتیک شیعه که ناشی از ترکیب شدن عوامل فرهنگی و اعتقادی با دسترسی به منابع عظیم انرژی و موقعیت های حساس ژئوپلیتیکی و استراتژیکی است، حساسیت و توجه کشورهای منطقه و ایالات متحده آمریکا را در دو محور ایدئولوژیکی فرهنگی و امنیتی راهبردی برانگیخته است. همواره ایران علاوه بر برخورداری از موقعیتی استثنایی در منطقه خلیج فارس، از جایگاهی منحصر به فرد در جهان اسلام و محوریتی ممتاز در دنیای تشیع نیز بهره مند بوده است. پژوهش حاضر با توجه به جایگاه منحصر به فرد جمهوری اسلامی ایران به تبیین راهبردی جایگاه ایران در ساختار ژئوپلیتیکی جدید خاورمیانه پرداخته است و به منظور تحلیل یافته های تحقیق از روش توصیفی-تحلیلی و از نظر هدف کاربردی - توسعه ای بهره برده است. جامعه آماری تحقیق حاضر از کلیه کارشناسان حوزه های علوم نظامی و جغرافیای سیاسی تشکیل شده است که حجم نمونه آن تعداد ۳۵ نفر تخمین زده شد. به منظور تحلیل یافته های تحقیق نیز از طریق مدل آزمون بینومال تست و میانگین در نرم افزار SPSS استفاده گردید. نتایج نشان داد کاهش تنش ها و واگرایی های منطقه ای و افزایش نفوذ سیاسی، فرهنگی و مذهبی از جمله مهمترین راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در ساختار ژئوپلیتیکی نوین خاورمیانه خواهد بود و گسترش گروهک های تروریستی، تغییر رویکرد کشورهای منطقه در قبال تحریم های آمریکا، افزایش نفوذ آمریکا در مرزهای ایران و افزایش نزدیکی روابط اسرائیل و عربستان از جمله مهمترین چالش های فراروی جمهوری اسلامی ایران در در ساختار ژئوپلیتیکی جدید خاورمیانه است.

کلمات کلیدی: خاورمیانه، ژئوپلیتیک، نفوذ منطقه‌ای، جمهوری اسلامی ایران.

^۱. (نویسنده مسئول): pourroshan@yahoo.com

نظام نوین ژئوپلیتیک جهانی در برگیرنده عناصری است که معرفی آن‌ها کلید درک مفاهیم مورد نظر است. قدرت اصلی‌ترین عنصر این ساختار را تشکیل می‌دهد. قدرت و رقابت‌های قدرتی برای ایجاد برتری نسبت به رقیبان، پیوسته هسته مرکزی مباحث و کارکرد ژئوپلیتیک پویا بوده است. برتری خواهی، سلطه جویی و یا ایجاد کنترل بر امور منطقه، بخشی از جهان یا بر کل جهان در اصطلاح، هژمونی گفته می‌شود که هدف اصلی در بازی‌های ژئوپلیتیک است (کرمی و کالجی، ۱۳۹۳). ژئوپلیتیک برای دستیابی به یک سیاست خارجی اثربخش و کارآمد بر شناسایی محدودیت‌ها و امکانات به وجود آمده از وضعیت و موقعیت‌های در حال تحول منطقه‌ای و جهانی تأکید دارد. هر دولتی در فضای جغرافیایی خاص، دارای منافع خاصی است که آن‌ها را در عرصه بین‌المللی پیگیری می‌کند. به عبارت دیگر هیچ کشوری نمی‌تواند محتوا، جهت‌گیری و حتی اهداف سیاست خارجی خود را مستقل از ماتریس ژئوپلیتیک خود طراحی و هدایت کند. به عنوان مثال قرار گرفتن ایران در «چهار راه حوادث» جهان باعث شده تا امکان اتخاذ سیاست بی‌طرفی از سوی آن در زمان رویدادهای مهم منطقه‌ای غیرممکن شود. ایران در دو مقطع از تاریخ خود در زمان جنگ جهانی اول و دوم این سیاست را در پیش گرفت اما در هر دو بار از سوی قدرت‌های اصلی درگیر جنگ نادیده گرفته شد. سائل بی، کوهن، جغرافیدان معاصر آمریکایی، نظریه سیستم ژئوپلیتیک جهانی را در دو بعد توزیع قدرت و ساختار فضایی ارائه داد و سیستم ژئوپلیتیک جهانی را بر پایه موقعیت و قدرت کشورها در نظام جهانی تبیین کرد (اعظمی، ۱۳۸۶). وی عواملی را که بر قدرت و نقش هر یک از اجزاء سیستم، نظیر دولتها و کشورها، تأثیر می‌گذارند، این گونه بر می‌شمارد:

- ۱- عوامل و تحولات داخلی، نظیر ساختار سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و فن‌آوری
 - ۲- عوامل خارجی، نظیر تجارت خارجی، روابط سیاسی، پایگاه‌های نظامی هم‌پیمانان خارجی، مسئله مهاجرت و... که به توسعه و کنش متقابل بین کشورها و همبستگی آنها به عنوان اجزاء سیستم کمک می‌کند
 - ۳- نیروهای داخلی که در خارج حضور دارند
- در جغرافیای سیاسی نوپدید خاورمیانه، توجه به ریشه‌های مناقشات از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. در یک طبقه‌بندی، ریشه تحولات این منطقه را می‌توان حول چهار محور اساسی مورد دقت قرار داد:
- حضور نامشروع رژیم صهیونیستی در قلب جهان اسلام از نیم قرن اخیر
 - وقوع انقلاب اسلامی در ایران
- حادثه یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ (اقدامات نظامی آمریکا در برخی کشورهای خاورمیانه به این بهانه) جنگ و سایر انقلاب‌های ایدئولوژیکی منطقه خاورمیانه (نظیر بهار عربی، به وجود آمدن گروهک تروریستی داعش و...)

اما آن چه در پژوهش حاضر بیش از پیش مورد بحث می‌باشد، تحلیل جایگاه جمهوری اسلامی ایران در تحولات اخیر ژئوپلیتیکی منطقه خاورمیانه است. افزایش نقش ایران بیش از هر چیز به دو مؤلفه قدرت ملی شامل: ۱- هویت ژئوپلیتیک؛ ۲- عنصر شیعی، بر می‌گردد. در مورد هویت ژئوپلیتیک، ایران نقطه اتصال مناطق آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی، خلیج فارس و جهان عرب است و در خصوص هویت شیعه، جمهوری اسلامی ایران به عنوان رقیب اصلی

ترکیه و عربستان، نقش آفرینی خود را با تأکید بر مدل انقلاب اسلامی پیگیری می نماید. پس از حملات ۱۱ سپتامبر و به وجود آمدن جنگ دوم خلیج فارس، با حمله آمریکا و ناتو، ایالات متحده نیز نفوذ خود را در منطقه گسترش یافت و شیطان بزرگ به عنوان اصلی ترین دشمن قسم خورده جمهوری اسلامی پس از رژیم صهیونیستی، عراق، افغانستان، قطر، آذربایجان و ترکمنستان را به عنوان پایگاهی به منظور استفاده تسلیحاتی و نظامی خود در آورد. به دنبال ادامه اشغال آمریکا و زیان آن ها از گروهک های اسلام گرا نظیر سپاه المهدی، القاعده و رژیم بعث، آمریکا مجبور به ترک عراق گردید. به دنبال این تغییرات ژئوپلیتیک منطقه دوباره وارد فاز جدیدی شد. پس از آن که ارتش آمریکا مجبور به ترک خاک عراق گردید، نفوذ جمهوری اسلامی ایران نیز در عراق و سوریه بیشتر گردید. و به نوعی با توجه به نظریه کارشناسان عراق و سوریه به عنوان پلی برای خون رسانی ایران به منظور تقویت نیروهای همپیمان خود نظیر حزب الله و حماس گشت. سرانجام با هم فکری دیپلماسین رژیم صهیونیستی، آمریکا و عربستان سعودی، به منظور کاهش نفوذ و قدرت ایران در منطقه و با حمایت های بی حد و حصر امارات متحده عربی و عربستان سعودی گروهک های ایدئولوژیکی مختلفی در سطح منطقه پدید آمد که به مهمترین آن می توان به گروهک داعش اشاره نمود. در جبهه ای دیگر نیز انقلابیون یمنی هم پیمان ایران موفق به تصرف قدرت در کشور یمن و خلع علی عبدالله صالح گردیدند. پس از این رخداد ها و مساله توافقات هسته ای، بیرون آمدن آمریکا از برجام و به دنبال آن تغییرات ژئوپلیتیک عراق و سوریه و شکست خوردن داعش توسط نیروهای سپاه قدس ایران و ارتش بشار اسد، مساله ترور جمال قاشخی توسط ریاض، در نتیجه خطاهای راهبردی عربستان سعودی و همپیمانان او در خلیج فارس فرصت هایی را برای ایران بوجود آورد تا بتواند دسترسی های منطقه ای خود به ویژه در یمن و حتی در خلیج فارس را بیشتر کند، ضمن آن که روابط میان دو محور سنی منطقه (ترکیه و عربستان) امروز بیش از پیش نمود پیدا کرده است. لذا امروزه ژئوپلیتیک خاورمیانه دست خوش تغییرات فراوانی گشته است که از جمله پیامدهای آن می توان به نزدیک تر شدن دو کشور ایران و ترکیه، کاهش نفوذ آمریکا و عربستان در منطقه و به نوعی می بایست این گونه بیان کرد که تحولات اخیر خاورمیانه سبب ارتقاء جایگاه منطقه ای ایران شده است. با توجه به مسائل مطرح شده تحقیق حاضر به دنبال این مساله می باشد که جایگاه ژئوپلیتیک ایران در معادلات آینده ژئوپلیتیک منطقه با چه چالش هایی مواجه است و جمهوری اسلامی در قبال آن می تواند چه راهبردهایی را اتخاذ نماید؟

منطقه خاورمیانه امروز مسائل پیچیده ای را به خود می بیند، کشور ایران نیز با مدل و گفتمان انقلاب اسلامی در کنار الگوی لیبرالی ایالات متحده، الگوی مورد نظر عربستان و الگوی ترکیه وارد این میدان رقابتی شده است و هر یک سعی دارند از شرایط کنونی برای ازدیاد قدرت مولد (قدرت گفتمان سازی) استفاده نمایند (ویسی، ۱۳۹۴). بنابراین در صورت انجام تحقیق بر این نکته می بایست پای فشرده که چشم انداز کنونی حاکی از آن است که این انقلاب ها سرآغاز تحولات و لرزش های ژئوپلیتیک گسترده ای در فضای خاورمیانه است و جغرافیای سیاسی نوینی را برای منطقه رقم خواهد زد و چنانچه جمهوری اسلامی ایران با توجه به چالش های فرارویش نظیر تحریم های مجدد آمریکا، همکاری کشورهای جهان با آمریکا و تحریم های مجدد، نتواند در معرفی الگوی مورد نظر و بسط اقتدار

هژمونیک در منطقه به توفیقی دست یابد، در آینده دچار چالش‌هایی به مراتب بیشتر خواهد شد. لذا تحقیق حاضر سعی دارد ضمن بررسی تغییرات اخیر ژئوپلیتیکی منطقه خاورمیانه، به چالش‌های فراروی جمهوری اسلامی در منطقه بپردازد و در نهایت جمهوری اسلامی در قبال تحولات منطقه می‌تواند چه راهبردهایی را اتخاذ نماید و از جانب دیگر تغییرات ژئوپلیتیک منطقه نیز فرصت‌ها و تهدیدهایی را برای جمهوری اسلامی ایران به وجود آورده است که از مهم‌ترین آن می‌بایست ابتدا به مهم‌ترین عوامل تهدیدکننده امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در راستای این تغییرات پرداخته گردد و سپس مهم‌ترین چالش‌های جمهوری اسلامی ایران فراروی معادلات منطقه‌ای پیش رو نیز تبیین شود.

با توجه به معادلات پیچیده منطقه‌ای، عملیات‌های تروریستی منطقه، اوضاع نابسامان سوریه، پیچیدگی سیاست‌های خارجه عراق، افزایش حضور گروهک‌های تروریستی همجوار با مرز ایران به خصوص نفوذ داعش در افغانستان، افزایش تنش‌ها میان ایران و کشورهای منطقه نظیر عربستان، امارات، ترکمنستان و بحرین و تدابیر صهیونیست‌ها برای افزایش نفوذ خود در منطقه و نقشه‌های شوم آنان در راستای بی‌ثبات‌سازی منطقه و علی‌الخصوص جمهوری اسلامی ایران، تحقیق حاضر با توجه به نگاهی کلی به تغییرات ژئوپلیتیکی منطقه خاورمیانه و جایگاه ایران در آن و در تداوم آن شناخت چالش‌های فراروی ایران و نقش آن در تحولات منطقه‌ای و شناخت عوامل تهدیدکننده امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، دارای جامعیت و نوآوری بوده و لزوم پرداختن به این موضوع بیش از پیش در افزایش گفتمان‌های ملی و منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران دارای ضرورت است.

رویکرد نظری

ژئوپلیتیک آموزه‌ای است که به وسیله آن پدیده قدرت در چهارچوب تمایزات و ویژگی‌های سرزمینی یا جغرافیایی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. ژئوپلیتیک یعنی توجیه و تفهیم موضوعات مربوط به سیاست، با توجه به داده‌های جغرافیایی (GÖNLÜBOL, 1978). همچنین ژئوپلیتیک دانشی است که انسانیت را در داخل روابط متقابل با عامل مکان مورد بررسی قرار می‌دهد (Dugin, 2003). «ژئوپلیتیک شیوه‌قرائت و نگارش سیاست بین‌الملل توسط صاحبان قدرت و اندیشه و تأثیر آنها بر تصمیم‌گیری‌های سیاسی در سطح ملی و منطقه‌ای است» (میرحیدر، ۱۳۷۷: ۲۲).

رقابت تلاش دو یا چند گروه، ملت و کشور برای نفوذ یا سلطه در منطقه یا جهان یا دسترسی به منابع فضایی (اعم از مادی و معنوی) است. رقابت در جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک بدون مقیاس معنا ندارد و فلسفه قانون رقابت، استیصال، برتری و دستیابی به فرصت‌هاست. در این بین، اقدامات عملی برای رهبری یا نفوذ در یک کشور، منطقه یا جهان شکل رقابت به خود می‌گیرد. ممکن است حوزه و منشأ رقابت، سرزمین، ناسیونالیسم، کمبود منابع، قدرت و اقتصاد باشد. از درون این رقابت‌ها، ائتلاف و رقابت‌های تسلیحاتی شکل می‌گیرد. باید توجه داشت که در رقابت، دو یا چند قدرت به طور همزمان اقداماتی می‌کنند تا از ارزش‌های جغرافیایی (مادی و معنوی) سهم بیشتری کسب کنند. رقابت در صورت استمرار و کسب احاطه بر ارزش‌های رقیب ممکن است به (منازعه ژئوپلیتیکی) تبدیل شود، این منازعه شاید مرحله آخر رقابت‌های ژئوپلیتیک باشد؛ به همین دلیل اغلب ویژگی‌های رقابت ژئوپلیتیک در منازعه ژئوپلیتیکی تجمع می‌شود.

در رقابت ژئوپلیتیک نیازمندیم به دو امر توجه کنیم:

۱- شناسایی ارزشهای جغرافیایی ۲- بررسی نگرش، گفتمان و ایده های توجه کنندگان به ارزشهای جغرافیایی. مبارزه بین رقبا و مخالفت های ارائه شده یک رقیب یا رقا، رقابت است که در صورت تداوم، بعد راهبردی به خود میگیرد. رقابت راهبردی در واقع نوعی حرکت ژئوپلیتیکی با حاصل جمع صفر دامنه دار میان دو یا چند رقیب است. در این بعد از رقابت، رقا سعی دارند یکدیگر را از میان بازی حذف کنند؛ زیرا منابع و فضایی که بر سر آن رقابت میکنند، جزء منافع حیاتی کشورهاست. رقابت از منظر ژئوپلیتیک اهدافی دارد که در شکل ۱-۲ نشان داده شده است. (احمدی و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۰۲).

تصویر ۱. اهداف رقابت از منظر ژئوپلیتیک



منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

تلاش دولت برای شکست یا موفق تر شدن از دیگر دولت ها رقابت نام دارد. به نظر می رسد خواسته ها و نیازهای انسان سیری ناپذیر است و برای تأمین نیازمندی های مادی، قدرت و منزلت ژئوپلیتیکی اقدامات رقابتی انجام می دهد. رقابت نقطه مقابل همکاری است و هنگامی رخ می دهد که دو یا چند قدرت (گروه) به دنبال هدفی هستند که نمی توانند یا نمی خواهند در آن با یکدیگر شریک باشند، در نتیجه برای رسیدن به آن با یکدیگر رقابت می کنند (کدی، ۲۰۰۴). عمل یا فرایند رقابت عبارت است از: تلاش برای دریافت چیزی یا پیروزی بر چیزی که قدرت دیگری نیز برای دریافت یا پیروزی در تلاش است. از سوی دیگر، تقاضای همزمان دو یا چند کشور برای منابع محدود محیط زیست رقابت شدیدی را ایجاد میکند. رقابت ها معمولا در دو حوزه داخلی و خارجی مطرح میشود: الف) رقابت در داخل دولت ها: رقابت دو حزب یا گروه برای دستیابی به جایگاه برتر در نهادهای قدرت مانند مجلس، ریاست جمهوری، نخست وزیری و...؛

ب- رقابت خارجی (بین دو یا چند کشور): هر کشور یا ملیت برای دستیابی به سلطه و استیال، قدرت سیاسی یا قدرت نظامی رقابت میکند؛ برای مثال، رقابت ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی، به عنوان نماینده دو دیدگاه (یکی نمایندگی دموکراسی و دیگری نمایندگی کمونیسم) در جنگ سرد برای سلطه بر جهان رقابت می کردند. نتیجه

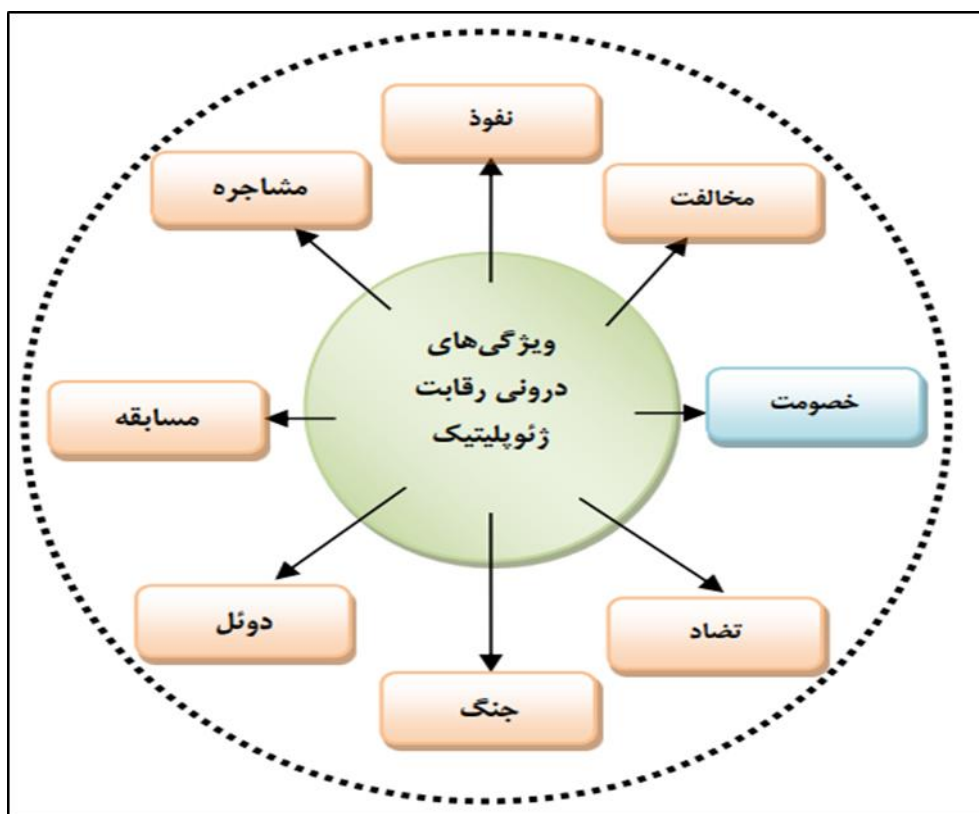
۸۰۶ فصلنامه علمی - پژوهشی جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال یازدهم، شماره یک، زمستان ۱۴۰۰
 این نوع رقابت ها اغلب به چالش در مناطق جغرافیایی جهان و گاهی به منازعه منجر میشود. در رقابت به دو عنصر نیاز داریم:

۱. عمل رقابت

۲- وجود دولت رقیب یا رقبا

همچنان که در شکل ۲ نمایش داده شده است، در حالت درونی رقابت ژئوپلیتیک با ویژگیهایی مانند توسعه، مخالفت، مسابقه، نفوذ، مبارزه (Random House Dictionary, Dictionary.com, 2015) خصومت و مشاجره، دوئل، تضاد و جنگ روبهرو می‌شویم؛ به این ترتیب مادامی که یک یا چند کشور درصدد به دست آوردن منابع مادی یا معنوی یا موقعیتی باشند بدون آنکه با یکدیگر همکاری کنند، رقابت ژئوپلیتیک شکل می‌گیرد. (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۳۶۸).

تصویر ۲. ویژگی های درونی رقابت ژئوپلیتیک



منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

رقابت ژئوپلیتیک در صورت تداوم ممکن است به منازعه ژئوپلیتیکی منجر شود. این امر زمانی حادث میشود که قدرتهای رقیب کوشش کنند موقعیت خویش را با تنزل دادن موقعیت دیگران یا ممانعت از آنها تقویت کنند و ارتقا دهند و مانع دستیابی دیگران به اهدافشان بشوند، همچنین در ادامه رقبا خود را از دور خارج کنند و به انزوا بپردازند. در رقابت ژئوپلیتیک، منافع مشترک مادی و معنوی جای خود را به منافع تقابلی می‌دهد؛ زیرا از منافع مشترک، همکاری، پیمان و ژئوپلیتیک صلح، اما از منافع تقابلی، رقابت، منازعه و جنگ حاصل میشود. بازیگران براساس

منافع متعارض با هم رقابت میکنند تا رقیب را از دستیابی به فرصتها بازدارند. رقابت با هدف کسب برتری و سیادت در زمینه خاص بین بازیگران انجام میشود. رقابت اشکال مختلفی دارد:

۱- رقابت بین دو یا چند قدرت هم تراز نظیر قدرتهای بزرگ جهانی یا منطقه ای که طرفین ضمن رعایت اصل تعادل و توازن در مناسبات و احترام متقابل، با احتیاط با یکدیگر برخورد میکنند و به اهداف هم بدگمان هستند (مثل دوره رقابت شوروی و آمریکا در جنگ سرد یا رقابت هم تراز ایران، ترکیه و پاکستان در سازمان منطقه ای اکو) رقابت سیاسی، مذهبی و اطلاعاتی ایران و عربستان در عراق، سوریه و لبنان و رقابت ایران، عراق و عربستان در بازار نفت و... مثالهایی از این نمونه است.

۲- رقابت بین دو قدرت ناهم سطح درجه ۴ و ۲، نظیر رقابت بین هند و پاکستان در جنوب آسیا که نوعی رقابت تسلیحاتی و اتمی را در پی دارد.

۳- رقابت مداخله ای: این نوع رقابت بین بازیگران در قلمرو جغرافیایی یا کشور ثالث و براساس منافع متعارض رخ میدهد. زمانی که کشوری یا فضایی جغرافیایی به ضعف دچار شود یا خلا قدرت داشته باشد، مرزهای ژئوپلیتیکی قدرتهای پیرامونی یا فرامنطقه ای منبسط میشود و به داخل کشور یا فضای جغرافیایی ضعیف کشیده میشوند، در نتیجه آن را به عرصه رقابت تبدیل میکنند؛ نظیر لبنان بین سوریه و اسرائیل یا سوریه بین روسیه و آمریکا همراه با ایران و عربستان و ترکیه (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۳۷۰).

مفهوم ژئوپلیتیک بیانگر حیطه ای از بررسی جغرافیایی است که عامل فضا را در شناخت چگونگی شکل گیری روابط بین الملل مهم تلقی می کند. کاربرد فعلی این واژه نباید با واژه ژئوپلیتیک آلمان که شکل خاصی از جبر محیطی بود که برای مشروعیت دادن به اعمال دولت به کار رفت اشتباه گردد. واژه اخیر ابتدا در سال ۱۹۱۶ به وسیله ردولف کیلن دانشمند علوم سیاسی سوئدی به کار رفت و سپس توسط کارل هاوس هوفر جغرافی دان آلمانی که طرفدار بخشی از افکار فردریک راتزل بود مورد استفاده قرار گرفت و راتزل تحت تأثیر مفهوم هگلی دولت یعنی وجود یک روح واحد در جامعه قرار گرفته با جمع آن با افکار دیگر، دولت را ارگانیزی می دانست که افراد تابع آنند و نیاز جدی به فضای حیاتی و توسعه سرزمینی دارد. این افکار توسط رهبران حزب نازی به ویژه رودلف هس در طرح های گسترش سرزمینی مورد بهره برداری قرار گرفت. (عباسی، ۱۳۹۲: ۶۴) سوء استفاده از این ایده ها در اهداف سیاسی، به دانش ژئوپلیتیک ضربه زد و باعث شد نسبت به هرامری که شباهتی با آن داشته باشد حساسیت ایجاد شود. پیروز مجتهد زاده در کتاب خود تحت عنوان "ایده های ژئوپلیتیک و واقعیت های ایرانی" دو مفهوم جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک را به این صورت تعریف کرده است: "جغرافیای سیاسی اثر تصمیم گیری های سیاسی انسان را روی چهره و اشکال جغرافیایی مربوط به محیط انسانی هم چون حکومت، مرز، مهاجرت، ارتباطات، توزیع، نقل و انتقال و غیره مطالعه می کند، در حالی که ژئوپلیتیک به مطالعه اثر عوامل جغرافیایی روی سیاست های دگرگون شونده جهانی می پردازد. اما دقیق تر آن است که بگوییم جغرافیای سیاسی با رابطه متقابل جغرافیا و سیاست سر و کار دارد و به این ترتیب، مفهوم ژئوپلیتیک که به نقش عمده عامل فضا در شکل گیری روابط بین الملل معتقد است، جزئی از دانش و علم جغرافیای سیاسی محسوب می شود. در این رابطه سائول. بی. کوهن در کتابش "جغرافیا و سیاست در

جهان تقسیم شده" همین مفهوم را بیان داشته و عصاره ژئوپلیتیک را مطالعه روابطی می‌داند که میان سیاست بین‌المللی، قدرت و مشخصات جغرافیایی برقرار می‌شود. (عزتی، ۱۳۷۳).

گذر از دوران سیاسی به دوران سیاسی دیگر، گذری است که تعاریف ویژه ای را می‌طلبد. از دیدگاه جغرافیای سیاسی، اگر دوران نقش‌آفرینی کشورها در نظام جهانی در چارچوب ملت و حکومت ملتی داشتن، توأم با شکل کلی ژئوپلیتیک جهانی که میان دو قطب ایدئولوژیک تقسیم می‌شد، بارزهای «دوران مدرن» شمرده شوند، جهان ژئوپلیتیک در سرآغاز قرن بیست و یکم، بی‌تردید، وارد دوران تازه ای با ویژگی‌های ژئوپلیتیک تازه می‌شود که شاید نوید دهنده فرآمدن دوران «پست مدرن» باشد. آغاز دگرگونی در نظام جهانی قرن بیستم توأم با نشانه‌هایی از پایان گرفتن دوران مدرن است (ملکی، ۱۳۸۵). فرآیندهای جهانی شدن، منطقه‌گرایی و تجزیه ژئوپلیتیکی به صورت چالش‌های نوین برای ژئوپلیتیک ظاهر شده‌اند. برتری حکومت ملی (در پیوستگی با سیستم بین‌المللی) به چالش کشیده شده و نقش و کارکرد دولت‌ها به عنوان نهادها و الگوهای دولتی به دنبال یک سلسله توسعه‌ها متحول شده است. رشد سازمان‌ها، آژانس‌ها و شرکت‌های چندملیتی توانایی دولت را برای تنظیم و تصویب قوانین به چالش کشانده است. نخبگان دولتی و مدیران اقتصادی مجبور به اجرای برنامه‌هایی شده‌اند که با نیازهای بازارهای پولی بین‌المللی، تعهدات بین‌المللی و جریان سرمایه‌سازگار باشد (داس، ۱۳۸۴: ۵۸). مباحث ژئوپلیتیک در دوران نوین در پرتو سه چالش اصلی تغییر شکل می‌دهد: نخست «جهانی شدن‌های اقتصادی»، دوم «انقلاب اطلاع‌رسانی» و سوم «خطرات امنیتی جامعه جهانی». اثرگذاری این عوامل در نقش‌آفرینی سیاسی انسان در محیط جهانی شکل‌گیرنده در بستر مدرنیته پیشرفته، شرایطی را فراهم آورده که مطالعه آن می‌تواند «ژئوپلیتیک پست مدرن» نام گیرد. این شرایط نقش گروهی انسانها در محیط سیاسی را از محدوده «ملت» بودن فراتر می‌برد و توجه اصلی را به شکل‌گیری‌های سیاسی در محیط فراملتی راهبری می‌کند، اگرچه «ملت بودن» و «حکومت ملتی» همچنان، به عنوان یگانهای سیاسی پراهمیت و نقش‌آفرین در ژئوپلیتیک جهانی اثرگذار خواهند بود (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۲۴۶ - ۲۴۷). در ژئوپلیتیک جدید با توجه به آنکه ساختار جدیدی از قدرت و سلسله مراتب آن بوجود آمده است، تحولات بوجود آمده در ساختار قدرت جهان به زیان ابزار و اهرم نظامی و به سود عوامل اقتصادی و دانش‌فنی تغییر کرده است. ذکر این نکته ضروریست که در ژئوپلیتیک جدید نیز، قدرت نظامی در سلسله مراتب تشکیل‌دهنده قدرت، مؤلفه‌ای مهم به شمار می‌آید، لیکن نقش آن در مقابل قدرت اقتصادی در درجه دوم اهمیت واقع شده است (احمدی پور ۱۳۷۶: ۱۰). یک تبیین ساده‌ای که بین ژئوپلیتیک جدید و قدیم و به عبارتی سنتی و معاصر وجود دارد این است که بعنوان ابزار درک عدم تجانس گفتمانهای ژئوپلیتیکی در گذشته و حال ناکافی است (گریفیتز، ۱۹۹۲).

محیط‌شناسی تحقیق

کشور ایران با وسعتی حدود ۱۹۶۸۱۹۰ کیلومتر مربع از گسترش قابل ملاحظه‌ای برخوردار است. از این حیث شانزدهمین کشور جهان است (نیایی، ۱۳۸۱: ۱۳۷). این وسعت قلمرو در موارد مختلف در سرنوشت سیاسی کشور تأثیرگذار بوده است (اطاعت، پیشین، ۶۲). گفته می‌شود یکی از عواملی که سبب گشت ایران در سیاست منطقه‌ای آمریکا به عنوان یکی از ارکان نظریه دو ستونی نقش‌فعالی را در منطقه بر عهده بگیرد، وسعت قلمرو آن بوده است.

امروزه نیز در معادله های امنیتی منطقه ای کشور ایران به لحاظ وسعت ارضی و برخوردار بودن از سواحل طولانی در خلیج فارس نقش مهمی بر عهده دارد، به گونه ای که حتی دولت آمریکا به رغم خصومت خود با ایران نتوانسته آن را نادیده بگیرد و بارها به اهمیت ایران در مسائل امنیت منطقه ای اعتراف کرده است. برای نمونه جیمز بیکر وزیر خارجه پیشین آمریکا در برابر کمیته روابط خارجی اعلام کرد که هیچ یک از دولت های منطقه ای نباید از برنامه های امنیتی کنار گذاشته شوند و ایران به عنوان قدرت عمده منطقه باید نقش مهمی ایفا کند. همچنین یادآور شد که بدون ایران هیچ سیاست امنیتی منطقه ای کارآمد در خلیج فارس وجود نخواهد داشت (نیایی، ۱۳۸۱: ۱۶۳). این اظهارات ناشی از موقعیت و وسعت کشور ایران است که سراسر خط شمال خلیج فارس را می پوشاند. البته عربستان نیز دارای وسعت زیادی است، ولی این کشور تنها ۴۰۰ کیلومتر مرز دریایی در خلیج فارس دارد که در مقایسه با ایران که تمام سواحل شمال خلیج فارس را در اختیار دارد، دارای موقعیت پایین تری است. البته وسعت خاک تنها تأیید کننده قدرت بیشتر نیست، ولی امکان قدرت بیشتر را فراهم می کند. از این جهت ایران از این امکان برخوردار است. وسعت خاک به طور معمول نشانگر وجود سرزمین و مقادیری مواد خام و قدرت نگهداری جمعیت زیاد است. (البته جمعیت زیاد زمانی می تواند به عنوان قدرت مطرح باشد که به صورت فعال باشد و در صنعت و اقتصاد نقش چشمگیری ایفا نموده تا دولت از اقتصاد به عنوان ابزار قدرت استفاده نماید) (مورگنتا، ۱۳۷۶: ۹۹). در گذشته وسعت خاک از این جهت حائز اهمیت بود که فضای مکانی را برای عقب نشینی و مانور نیروهای نظامی فراهم می آورد (همان، ۱۰۱). وسعت خاک جمهوری اسلامی ایران در مقاطع بحرانی و به ویژه جنگ نقش قابل توجهی را ایفا کرده از جمله در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران مانع از آن شد تا مناطقی از کشور زیر هجوم حمله عراق قرار گیرد و ایران از آن مناطق برای تجهیز نیرو و جهت مقابله با دشمن استفاده کرد (اطاعت، پیشین: ۶۲). در دیدگاه نظامی، اشغال و تصرف کشوری پهناور با عمق استراتژیک امری به نسبت غیر ممکن به نظر میرسد. اگر جغرافیای انسانی را نیز به مؤلفه های دفاع طبیعی بیفزاییم مفهوم استراتژیک بودن سرزمین ایران واقعیت ملموس تری می یابد.

کشور ایران دارای سه امتیاز موقعیتی است. نخست، ایران متصل به موقعیت بری اوراسیا است؛ دوم، ایران به سبب دارا بودن سواحل طولانی در خلیج فارس و دریای عمان از موقعیت دریایی برخوردار است؛ و سوم، با در اختیار داشتن تنگه استراتژیک هرمز دارای موقعیت گذرگاهی است. این تنگه از شاه راه های حیاتی اقتصاد جهان است. در این باره کالینز می گوید که تنگه هرمز ممکن است ما را در یک جنگ زودرس گرفتار کند. در صورت وقوع، عوامل مختلف جغرافیا، انرژی، اقتصاد و امنیت در هم می آمیزند و موقعیت حساسی را به وجود می آورند (همان، ۳۸). جدای از این موارد که موقعیت منحصر به فردی را برای ایران پدید آورده است، قرار گرفتن ایران در منطقه حساس و استراتژیک خلیج فارس امتیازی دیگر برای این کشور محسوب می گردد. خلیج فارس منطقه ای است که ۶۵ درصد منابع نفتی جهان را در خود جای داده و کشورهای صنعتی جهان به شدت به انرژی این منطقه نیاز مند هستند. آمریکا، اروپا، چین و ژاپن درصد بالایی از نفت مورد نیاز خود را از این منطقه تأمین می کنند (نیایی، پیشین: ۱۳۷). اهمیت منابع اقتصادی در منطقه خلیج فارس و وابستگی شدید آمریکا و سایر کشورهای صنعتی به منابع

انرژی این منطقه، داشتن سواحل طولانی ۲۵۰ کیلومتری شمال خلیج فارس و در اختیار داشتن جزایر خارک، قشم، هنگام و جزایر سه گانه و تسلط بر تنگه استراتژیک هرمز ایران را از یک موقعیت برتر جهانی برخوردار نموده است. حقیقت این است که بیش از نیمی از خلیج فارس به ایران تعلق دارد و حساس ترین نقاط استراتژیک و تنگه هرمز و بخشی از دریای عمان پیوسته به عنوان قسمتی از یک سیستم ارتباطی، اقتصادی و نظامی از جایگاه ویژه ای برخوردار است (همان، ۱۳۸). از جنبه نظامی نیز اتصال کشورهای خلیج فارس به دریای عمان و اقیانوس هند باعث شده است که این حوزه به صورت یک منطقه عملیاتی در سیاست های نظامی مورد توجه قرار گیرد. جایگاه ایران در این منطقه و نقش ارتباطی آن در استراتژی های بری و بحری از مهم ترین عواملی است که اقدام های سیاسی و نظامی آن را نسبت به همسایگان و قدرت های جهان تحت تأثیر قرار می دهد. این موقعیت به مثابه پلی میان خاورمیانه و جنوب غرب آسیا و میان روسیه و خلیج فارس، همچنین به وسیله تنگه هرمز میان روسیه و دریای عمان و دریای عرب ارتباط برقرار می کند (اطاعت، پیشین: ۱۴۴). تنگه هرمز در تسلط کامل ایران قرار داشته و تهدید یا بسته شدن آن پیامدهای گسترده و جبران ناپذیری در معادلات استراتژیک جهان به جا می گذارد و می تواند زندگی سیاسی کشورهای منطقه و واردکنندگان نفت را مختل و بحرانی جهانی را به وجود آورد (خانی، ۳۸۰: ۲۹۲).

منابع انرژی

امروزه نفت که مقوله ای اقتصادی قلمداد می شود، به عنوان ابزار و اهرمی سیاسی نیز مطرح است و پیرو همین به یکی از سیاسی ترین موضوعات بدل گشته است، به صورتی که کوچک ترین تغییر و تحول انرژی در دنیا به جای اینکه در صفحات اقتصادی روزنامه ها درج شود، در صفحات سیاسی با تیتیر درشت عنوان می گردد. از دیدگاه ژئوپلیتیک قدرت های مسلط و برتر جهان در واقع کشورهایی هستند که بتوانند بر منابع و خطوط عرضه و انتقال انرژی تسلط داشته باشند. ایران به عنوان اولین تولید کننده نفت در خاور میانه همواره جایگاه و منزلت خاصی در دنیای پیچیده و پرنوسان صنعت بین المللی نفت داشته است و از لحاظ منابع انرژی یکی از غنی ترین کشورهای دارای ذخایر نفت و گاز در سطح منطقه و جهان محسوب می شود. به اعتقاد کارشناسان مسائل نفتی کمتر میدان نفتی در دنیا یافت می شود که از حیث فراوانی نفت، سهولت استخراج و پایین بودن هزینه تولید با میدان های نفتی ایران هم طراز باشد. در اختیار داشتن ۱۳ درصد از ذخایر اثبات شده نفت جهان و ۱۵ درصد ذخایر گازی جهان موقعیت ژئوپلیتیکی منحصر به فردی را در اختیار ایران قرار داده است (حافظ نیا، ۱۳۷۲: ۱۹۱). در حال حاضر مهم ترین منبع اقتصادی و درآمد ارزی جمهوری اسلامی ایران نفت و گاز است. اتکای به نسبت انحصاری اقتصاد ایران به فروش نفت خام به عنوان منبع درآمد ارزی، آن را به صورت یک اقتصاد تک محصولی در آورده است. به همین سبب اقتصاد و سیاست انرژی همانند گذشته، نقشی تعیین کننده در شکل گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران ایفا می کند.

در ادبیات سیاسی، ایدئولوژی از نظر لغوی به مفهوم عقیده یا نظر سیاسی تعریف شده است. ایدئولوژی یک قالب ذهنی از لحاظ شیوه نگرش نسبت به جهان فراهم می آورد. این عنصر تشکیل دهنده قدرت، معیارها و ضوابط

مشخص و معینی را در اختیار سیاست گذاران قرار می دهد تا بر اساس آن چارچوب هدف ها و منافع ملی خویش را ترسیم نمایند (کاظمی، ۱۳۶۹: ۸۶).

ایدئولوژی عبارت است از نظام فکری و عقیدتی که قابل اعمال بر واقعیت های خارجی است. ریمون آرون در کتاب «افیون روشنفکران» ایدئولوژی را مرکب از واقعیاتی می داند که ظاهراً تحت نظم در آمده اند و شامل تفاسیر، آرمان ها و پیشگویی هاست (قوام، ۱۳۸۵: ۷۵). برخورداری یک دولت از ایدئولوژی خاص به تنهایی نمی تواند نقش مؤثری در افزایش قدرت آن داشته باشد. بلکه نحوه بهره گیری از این عنصر در بالا بردن روحیه ملی و تجهیز منابع و امکانات حائز اهمیت است. ایدئولوژی به معنای مجموعه ای از مفاهیم و مفروضه ها در مورد رفتار و نظام های اجتماعی یا دسته ای از اندیشه ها و ایده ها راجع به نظم و کنش سیاسی - اجتماعی و چگونگی اجرا و اعمال آن ها یکی دیگر از متغیرهای تأثیر گذار بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است.

ایدئولوژی انقلاب اسلامی ایران به جهت ریشه داشتن در فرهنگ ملی و مذهبی از ابعاد ماوراء الطبیعه و مذهبی برخوردار می باشد، لذا منافع ملی را بیش از آن که در ظرف ملی تعقیب نماید با یک نگرش کلان و سیستمی در چارچوب امت اسلام و اسلام شیعی جستجو می نماید. ایدئولوژی اسلامی ایران بدلیل ریشه طولانی که در بستر فرهنگ ملی و به ویژه مذهبی دارد، از جنبه اعتقادی و ایمانی برخوردار می باشد. لذا «سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران بر اساس ایدئولوژی اسلامی ایران بدلیل ریشه طولانی که در بستر فرهنگ ملی و به ویژه مذهبی دارد، از جنبه اعتقادی و ایمانی برخوردار می باشد. لذا «سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران بر اساس ایدئولوژی اسلامی پایه ریزی شده است که مبتنی بر مفاهیمی همچون برتری مطلق توحیدی، اعتقاد به ذات خدایی مردم و گرایش مردم به سوی قدرت ایمان و ... در به وجود آوردن ارزش های غیر مادی است (عمرانی، ۱۳۷۹: ۵۱). از آنجا که دولت ها راه های خاصی برای تعقیب اهداف و یا منافع خود بر می گزینند لذا سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز بر پایه یکسری اصول و مبانی بنا شده است که این اصول و مبانی راهنمای رفتار و کنش سیاست خارجی جمهوری اسلامی در عرصه بین المللی قرار می گیرند. مهم ترین اصول و مبانی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران عبارتند از؛ نفی سلطه گری و سلطه پذیری، حمایت از مستضعفان و جنبش های آزادی بخش، حمایت و دفاع از مسلمانان، عدم مداخله در امور داخلی کشورها و احترام متقابل.

این اصول حاکم بر سیاست خارجی ایران نشان دهنده موضع گیری های خاصی است و با توجه به اصول حمایت از مستضعفان و جنبش های آزادی بخش و همین طور حمایت و دفاع از مسلمانان به عنوان اصول و مبانی انقلاب اسلامی، به دنبال دفاع از هویت و تمامیت ارضی و ارزشی خود و همین طور سایر کشورهای اسلامی است و این حمایت و سیاست ها به هیچ رو بر بنیاد تهاجم و توسعه طلبی نسبت به کشورهای منطقه قرار نگرفته است. هر چند سیاست خارجی ایران عمدتاً ایدئولوژی محور است اما رگه هایی از واقع گرایی و آرمان گرایی نیز دارد. نمونه آن سیاست خارجی گزینشی ایران در ارتباط با ایدئولوژی است. گاهی صبغه ایدئولوژی در سیاست خارجی ایران بسیار پررنگ می شود مثلاً در مورد گروه های جهادی فلسطین و حزب الله لبنان و یا در مقابل برخی همسایگان مانند عربستان سعودی که نمونه آن موضع شدید ایران در برابر کشتار شیعیان یمن در حال حاضر و در برخی موارد کم

رنگ و در برخی موارد کاملاً عاری از رفتار ایدئولوژیک مثلاً رفتار سیاست خارجی ایران در برابر آذربایجان و ارمنستان و به ویژه در کشتار شیعیان آذربایجان توسط ارمنستان و یا موضع‌گیری در برابر سرکوب مسلمانان اویغور چینی و جنگ چین با روسیه. این سیاست‌گزینشی، ملبس بودن رفتار ایدئولوژیک ایران به واقع‌گرایی و آرمان‌گرایی را نشان می‌دهد. از طرف دیگر ایدئولوژی اسلامی ایران همچون هر ایدئولوژی دیگری در شرایط تردید در تأکید بر رفتار ایدئولوژیک و به خطر افتادن امنیت سرزمینی و یا «بقاء» به طور واقع‌گرایانه دومی را انتخاب می‌کند و این چیزی است که واقع‌گرایان بر آن تأکید می‌کنند؛ زیرا این طور برداشت می‌شود که ایدئولوژی و ارزش‌ها تابع موجودیت نظام و سرزمین است. اما سرزمین تابع ایدئولوژی و ارزش نیست. «بقاء» خود اولین و مهم‌ترین ارزشی است که ارزش‌های دیگر در سایه آن می‌توانند موجودیت داشته باشند و بنابر این همه واحدهای سیاسی اهمیت دارد.

چالش‌های امنیتی در برابر سیاست توازن منطقه‌ای

سیاست توازن منطقه‌ای همواره با چالش‌ها و تهدیداتی روبرو خواهد بود. نشانه‌های آن را می‌توان در چگونگی مواضع بازیگران رقیب در محیط منطقه‌ای دانست. بازیگرانی که می‌توانند بر معادله قدرت تأثیر گذار باشند. این بازیگران صرفاً در شرایطی می‌توانند برای رقبای خود چالش‌گر باشند که از حمایت بین‌المللی و ائتلاف منطقه‌ای برخوردار باشند. هیلاری کلینتون تلاش همه‌جانبه‌ای به انجام رساند تا موقعیت عربستان در خاورمیانه را ارتقاء دهد. ترکیه نیز از ظرفیت و قابلیت چنین نقشی برخوردار است. بنابر این ترکیه و عربستان به عنوان دو بازیگر اصلی محسوب می‌شوند که می‌توانند چالش‌هایی را در برابر ایران ایجاد نمایند (مولوی، ۱۳۸۶: ۸۱). واحدهای سیاسی همواره تلاش خود را برای سازماندهی فرآیندهای همکاری‌جویانه به کار می‌گیرند. این امر انعکاس نیاز آنان به صلح و امنیت می‌باشد. رویکردهای مختلفی درباره چگونگی نیل به صلح و امنیت ارائه شده است. ایده پالیست‌ها تحقق این امر را از طریق گسترش نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی امکان‌پذیر می‌دانند. رئالیست‌های امنیت منطقه‌ای را تابعی از موازنه قدرت استراتژیک می‌دانند. این امر نشان می‌دهد که برای تبیین موازنه منطقه‌ای می‌توان دو سطح تحلیل رئالیستی و ایده‌پالیستی را برای سازماندهی صلح و تعادل منطقه‌ای با یکدیگر پیوند داد (هیل، ۲۰۰۸: ۱۶).

در نظام جهانی، پیوند میان کشورها و همچنین ظهور بازیگران غیردولتی در بسیاری از کشورها، به درجه‌ای رسیده است که نمی‌توان آن را با روابطی که تنها چند دهه پیش بوده است، مقایسه نمود. امنیت ملی نیز به همین میزان اهمیت پیدا نموده و عواملی که امنیت ملی را می‌سازند، بیشتر و با اهمیت‌تر گشته‌اند. کنش، واکنش و رقابت میان کشورها به سطح بالایی رسیده است. در قرن بیست و یکم، دیگر بدون داشتن روابط تعادلی بر اساس الگوهای پایدار در رفتار استراتژیک با دیگر کشورها، ادامه تأمین منافع ملی و اهداف استراتژیک برای هیچ واحد سیاسی امکان‌پذیر نیست. (جمشیدی، ۱۳۸۹: ۶۴). با توجه به مؤلفه‌های یاد شده، می‌توان تأکید داشت که امنیت ملی، فعالیت‌های یک کشور در محیط و شرایط پرتنش و چالش‌آفرین محسوب می‌شوند. در همین ارتباط امنیت ملی می‌تواند یک استراتژی و یا برنامه‌ای از فعالیت‌ها تعریف گردد که توسط تصمیم‌گیران یک کشور در برابر کشورهای دیگر و یا نهادهای بین‌المللی انجام می‌شود. این امر، زمینه نیل به اهداف امنیت ملی کشورها را فراهم

می سازد. به این ترتیب، امنیت ملی به عنوان فرآیندی محسوب می شود که در برگیرنده اهداف مشخص، عوامل معین خارجی وابسته به اهداف ملی خواهد بود. این امر می تواند توانایی کشورها در رسیدن به نتایج مطلوب امنیتی و استراتژیک را فراهم سازد.

از آنجایی که فرآیندهای برگشت پذیر، مخاطرات و محدودیت های امنیتی فراگیری را برای واحدهای سیاسی به وجود می آورد از این رو، تحقق اهداف استراتژیک و ضرورت های امنیت ملی ایران در شرایطی حاصل می شود که امکان بهره گیری از ظرفیت و قابلیت بالقوه کشور برای زمامداران به وجود آید. در چنین شرایطی، جلوه هایی از تغییر و تداوم به موازات یکدیگر شکل گرفته و زمینه های قاعده سازی و هنجارسازی در امنیت ملی ایران را به وجود می آورد. به هر میزان الگوی روابط و رفتار سیاسی کشورها بر اساس تداوم و تعادل انجام پذیرد، منافع استراتژیک بیشتری برای آنان حاصل می شود (احتشامی و زویری، ۲۰۰۷: ۱۴۴).

تحقق این امر در شرایطی امکان پذیر است که واحدهای سیاسی بتوانند ابتکارات لازم برای عبور از تهدیدات را از طریق تعامل گرایی پیگیری نمایند. این الگو را می توان زمینه ساز نیل به همکاری و مشارکت در فضای منطقه ای دانست. به عبارت دیگر، هر گونه فرآیندی که بتواند به ثبات، تعادل و تعامل سازنده در رفتار سیاست خارجی گردد، مطلوبیت های بیشتری برای منافع ملی را به وجود می آورد. هرگونه تحول منطقه ای نیازمند آن است که زیر ساخت های ایدئولوژیک تولید شود. عربستان سعودی چنین اقدامی را در خاورمیانه و جهان اسلام به انجام رسانده است. بنابراین از قابلیت لازم برای چالش آفرینی در برابر سیاست امنیتی ایران در منطقه خاورمیانه برخوردار است (اسپوزیتو، ۲۰۰۷: ۲۳).

ساز و کارهای کنترل موج های عبور از موازنه منطقه ای

سازماندهی صلح و تعادل منطقه ای در خلیج فارس زمانی شکل می گیرد که ریشه های ناامنی، جنگ و بدبینی منطقه ای مورد بررسی قرار گیرند. این امر بر مبنای تجارب گذشته سیاست خارجی کشورهای منطقه ای تنظیم خواهد شد. از سوی دیگر، می توان تأکید داشت زمانی کشورها در صدد ایجاد صلح خواهند بود که هزینه های جنگ برای آنان بیش از منافع اش باشد. به طور کلی، جنگ های منطقه ای هزینه های اجتماعی، انسانی و استراتژیک برای کشورهای همجوار ایجاد خواهد کرد.

در چنین شرایطی الگوی رفتاری کشورها در راستای تحقق اهداف و منافی است که می تواند محدودیت های فراوی امنیت ملی و منطقه ای خود را در قالب الگوی تعامل گرا سازماندهی نماید. در روش شناسی هنجاری، راهکارهای بهینه سازی سیاست خارجی تعادل گرا برای نیل به تعادل و صلح منطقه ای بر اساس قابلیت ها و محدودیت های ساختار داخلی در فضای محیط منطقه ای و بین المللی ارائه می شود (بیگیس، ۲۰۰۹: ۱۶).

کشورهای در حال ظهور و بازیگرانی که از قدرت مؤثر منطقه ای و بین المللی برخوردارند، امکان بهره گیری آنان از الگوهای باثبات در سیاست خارجی افزایش می یابد. این امر زمینه لازم برای ایجاد تعادل منطقه ای را فراهم خواهد ساخت. به طور کلی، همواره نشانه هایی از تلاش بازیگران منطقه ای برای عبور از تعادل گرایی وجود دارد. اقدام عربستان سعودی در اشغال نظامی بحرین و سرکوب گروه های معترض در این کشور را می توان نمادی از

تلاش سازمان یافته برای عبور از موازنه گرایي منطقه ای دانست. این امر در راستای نادیده گرفتن ضرورت های امنیتی سیاست حفظ وضع موجود در نظام منطقه ای خلیج فارس محسوب می شود. منطقه ای که دارای بحران های متقاطع و متراکم سیاسی، امنیتی و هویتی است. طبعاً در چنین منطقه ای اتخاذ هرگونه سیاستی که به عدم تعادل امنیتی منجر شود، مخاطرات راهبردی را اجتناب ناپذیر می سازد. کشورهایی مانند عربستان و ترکیه را می توان به عنوان بازیگرانی دانست که از قابلیت لازم برای کنش گری، همکاری منطقه ای و تعادل در فضای آشوب ساز برخوردارند. طبعاً چنین اهدافی در شرایطی تأمین می شود که الگوی مبتنی بر همکاری را جایگزین فرآیندهای تعارض و چالش ساز در سیاست منطقه ای نمایند (کولمن، ۲۰۱۰: ۱۲). انتشار «اسناد ویکی لیکس» نشان داد که کشورهای منطقه در فضای نگرانی و تعارض نسبت به ایران قرار دارند. در چنین شرایطی، امکان نیل به ثبات و موازنه منطقه ای کار دشواری خواهد بود. طبعاً چنین شاخص هایی به عنوان واقعیت اجتناب ناپذیر سیاست بین الملل در روند امنیت سازی تلقی می شود. ایجاد تعادل در فضای منطقه ای نیازمند انعطاف پذیری استراتژیک و محاسبه پیامدهای هر گونه واکنش در حوزه سیاست خارجی و کنش امنیتی خواهد بود.

یافته‌های تحقیق

راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در ساختار ژئوپلیتیکی نوین خاورمیانه

آمار توصیفی مهمترین راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در ساختار ژئوپلیتیکی نوین خاورمیانه به صورت جدول زیر ارائه می گردد:

جدول ۱: آمار توصیفی مهمترین راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در ساختار ژئوپلیتیکی نوین خاورمیانه

ردیف	پرسش	کاملاً مخالفم	کاملاً موافقم	مخالفم	نظری ندارم	موافقم	کاملاً موافقم	میانگین
۱	کاهش تنش های ایران و ترکیه از مهمترین راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در ساختار ژئوپلیتیکی نوین خاورمیانه است.	۰	۴	۵	۱۲	۱۴	۴۰۳	
۲	افزایش نفوذ ایران در لبنان از مهمترین راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در ساختار ژئوپلیتیکی نوین خاورمیانه است.	۱	۳	۴	۱۵	۱۲	۳۹۷	
۳	کاهش تنش های ایران و امارات از مهمترین راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در ساختار ژئوپلیتیکی نوین خاورمیانه است.	۳	۱۵	۱۶	۱	۰	۲۴۳	
۴	افزایش نفوذ ایران در کویت از مهمترین راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در ساختار ژئوپلیتیکی نوین خاورمیانه است.	۶	۱۹	۶	۴	۰	۲۲۳	
۵	افزایش نفوذ ایران در عراق از مهمترین راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در ساختار ژئوپلیتیکی نوین خاورمیانه است.	۰	۰	۰	۶	۲۹	۴۸۳	

۴.۶۶	۲۶	۷	۱	۱	۰	افزایش نفوذ ایران در یمن از مهمترین راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در ساختار ژئوپلیتیکی نوین خاورمیانه است.
۴.۱۷	۱۳	۱۶	۵	۱	۰	افزایش نفوذ مذهبی به واسطه تشکیل گروه های مذهبی در کشورهای خاورمیانه از مهمترین راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در ساختار ژئوپلیتیکی نوین خاورمیانه است.
۴.۴۹	۱۹	۱۴	۲	۰	۰	افزایش نفوذ ایران در سوریه از مهمترین راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در ساختار ژئوپلیتیکی نوین خاورمیانه است.
۲.۷۷	۰	۶	۱۶	۱۲	۱	کاهش تنش های ایران و بحرین از مهمترین راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در ساختار ژئوپلیتیکی نوین خاورمیانه است.
۴.۲۹	۱۴	۱۷	۴	۰	۰	افزایش نفوذ سیاسی ایران در قطر از مهمترین راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در ساختار ژئوپلیتیکی نوین خاورمیانه است.
۴.۶۰	۲۱	۱۴	۰	۰	۰	افزایش نفوذ نظامی به واسطه مبارزه با گروه های سلفی و آمریکا در کشورهای خاورمیانه از مهمترین راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در ساختار ژئوپلیتیکی نوین خاورمیانه است.
۴.۶۹	۲۶	۷	۲	۰	۰	افزایش نفوذ فرهنگ به واسطه اشتراکات تاریخی- فرهنگی و زبانی در کشورهای خاورمیانه از مهمترین راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در ساختار ژئوپلیتیکی نوین خاورمیانه است.
۲.۷۴	۰	۳	۲۱	۱۰	۱	افزایش نفوذ ایران در اردن از مهمترین راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در ساختار ژئوپلیتیکی نوین خاورمیانه است.
۳.۴۰	۳	۱۴	۱۲	۶	۰	کاهش تنش های ایران و عربستان سعودی از مهمترین راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در ساختار ژئوپلیتیکی نوین خاورمیانه است.

ماخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹

در زمینه مهمترین راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در ساختار ژئوپلیتیکی نوین خاورمیانه، نتایج نشان داد که عواملی نظیر افزایش نفوذ ایران در عراق، افزایش نفوذ ایران در اردن و افزایش نفوذ ایران در یمن و افزایش نفوذ فرهنگ به واسطه اشتراکات تاریخی- فرهنگی و زبانی در کشورهای خاورمیانه به عنوان بالاترین عوامل مهمترین راهبردهای جمهوری اسلامی ایران محسوب می شوند و عواملی نظیر افزایش نفوذ ایران در کویت، کاهش تنش های ایران و امارات، کاهش تنش های ایران و بحرین و افزایش نفوذ ایران در اردن از جمله به عنوان راهبردهای ایران در ساختار ژئوپلیتیکی نوین خاورمیانه محسوب نمی شود.

مهمترین چالش‌های فراروی جمهوری اسلامی ایران در ساختار ژئوپلیتیکی جدید خاورمیانه

آمار توصیفی مهمترین چالش‌های فراروی جمهوری اسلامی ایران در ساختار ژئوپلیتیکی نوین خاورمیانه به صورت جدول زیر ارائه می‌گردد:

جدول ۴. مهمترین چالش‌های فراروی جمهوری اسلامی ایران در ساختار ژئوپلیتیکی نوین خاورمیانه

ردیف	پرسش	کاملاً مخالفم	کاملاً موافقم	نظری ندارم	موافقم	کاملاً مخالفم	میانگین
۱	گسترش گروهک تروریستی داعش از جمله مهم‌ترین چالش‌های فراروی جمهوری اسلامی ایران در ساختار ژئوپلیتیکی نوین خاورمیانه است.	۰	۳	۳	۱۰	۱۹	۴.۲۹
۲	خودمختاری اقلیم کردستان عراق و افزایش اقتدار کردها در منطقه از جمله مهم‌ترین چالش‌های فراروی جمهوری اسلامی ایران در ساختار ژئوپلیتیکی نوین خاورمیانه است.	۰	۰	۰	۱۳	۲۲	۴.۶۳
۳	گسترش گروهک تروریستی القاعده از جمله مهم‌ترین چالش‌های فراروی جمهوری اسلامی ایران در ساختار ژئوپلیتیکی نوین خاورمیانه است.	۵	۹	۱۰	۱۰	۱	۲.۸۰
۴	صلح رژیم صهیونیستی با کشورهای عربی منطقه مانند بحرین، امارات و عمان از جمله مهم‌ترین چالش‌های فراروی جمهوری اسلامی ایران در ساختار ژئوپلیتیکی نوین خاورمیانه است.	۰	۰	۰	۹	۲۶	۴.۷۴
۵	گسترش جاسوس‌های موساد و رژیم تروریستی آمریکا از جمله مهم‌ترین چالش‌های فراروی جمهوری اسلامی ایران در ساختار ژئوپلیتیکی نوین خاورمیانه است.	۰	۰	۰	۳	۳۲	۴.۹۱
۶	گسترش حزب منحل دموکرات از جمله مهم‌ترین چالش‌های فراروی جمهوری اسلامی ایران در ساختار ژئوپلیتیکی نوین خاورمیانه است.	۰	۰	۶	۱۵	۱۴	۴.۲۳
۷	گسترش گروهک تروریستی پژاک از جمله مهم‌ترین چالش‌های فراروی جمهوری اسلامی ایران در ساختار ژئوپلیتیکی نوین خاورمیانه است.	۰	۶	۹	۱۲	۸	۳.۶۳
۸	جریان‌های تجزیه طلبی ترکیه نظیر پ. ک. ک از جمله مهم‌ترین چالش‌های فراروی جمهوری اسلامی ایران در ساختار ژئوپلیتیکی نوین خاورمیانه است.	۱۱	۲۴	۰	۰	۰	۱.۶۹
۹	حزب منحل کوموله از جمله مهم‌ترین چالش‌های فراروی جمهوری اسلامی ایران در ساختار ژئوپلیتیکی نوین خاورمیانه است.	۰	۰	۱	۶	۲۸	۴.۷۷

۳.۷۷	۲	۲۴	۸	۱	۰	۱۰	حمایت های عربستان سعودی از حمایت های اقدامات تروریستی آمریکا علیه ایران از جمله مهمترین چالش های فراروی جمهوری اسلامی ایران در ساختار ژئوپلیتیکی نوین خاورمیانه است.
۴.۴۳	۱۵	۲۰	۰	۰	۰	۱۱	حمایت های امارات متحده عربی از حمایت های اقدامات تروریستی آمریکا علیه ایران از جمله مهمترین چالش های فراروی جمهوری اسلامی ایران در ساختار ژئوپلیتیکی نوین خاورمیانه است.
۴.۸۰	۲۹	۵	۱	۰	۰	۱۲	حمایت های اقتصادی و سیاسی عربستان به احزاب جدایی طلب در ایران از جمله مهمترین چالش های فراروی جمهوری اسلامی ایران در ساختار ژئوپلیتیکی نوین خاورمیانه است.
۴.۳۷	۱۶	۱۷	۱	۱	۰	۱۳	حمایت های اقتصادی و سیاسی امارات به احزاب جدایی طلب در ایران از جمله مهمترین چالش های فراروی جمهوری اسلامی ایران در ساختار ژئوپلیتیکی نوین خاورمیانه است.
۳.۴۰	۳	۱۴	۱۲	۶	۰	۱۴	حمایت های اقتصادی و سیاسی آذربایجان به احزاب جدایی طلب در ایران از جمله مهمترین چالش های فراروی جمهوری اسلامی ایران در ساختار ژئوپلیتیکی نوین خاورمیانه است.
۴.۵۱	۲۱	۱۲	۱	۱	۰	۱۵	حمایت های اقتصادی و سیاسی ترکیه به احزاب جدایی طلب در ایران از جمله مهمترین چالش های فراروی جمهوری اسلامی ایران در ساختار ژئوپلیتیکی نوین خاورمیانه است.
۳.۴۰	۸	۱۰	۷	۸	۲	۱۶	عدم حمایت کشورهای عربی از موضوع فلسطین از جمله مهمترین چالش های فراروی جمهوری اسلامی ایران در ساختار ژئوپلیتیکی نوین خاورمیانه است.
۱.۶۳	۰	۰	۱	۲۰	۱۴	۱۷	افزایش نفوذ آمریکا در عراق از جمله مهمترین چالش های فراروی جمهوری اسلامی ایران در ساختار ژئوپلیتیکی نوین خاورمیانه است.
۴.۵۴	۲۳	۹	۲	۱	۰	۱۸	اشغال مناطق شمالی سوریه توسط ترکیه از جمله مهمترین چالش های فراروی جمهوری اسلامی ایران در ساختار ژئوپلیتیکی نوین خاورمیانه است.
۱.۹۷	۰	۱	۴	۲۳	۷	۱۹	افزایش نفوذ رژیم صهیونیستی در قطر از جمله مهمترین چالش های فراروی جمهوری اسلامی ایران در ساختار ژئوپلیتیکی نوین خاورمیانه است.
۴.۳۱	۱۶	۱۳	۳	۲	۰	۲۰	کاهش بازدارندگی حزب الله لبنان به دلیل افزایش تنش های این گروه با کشورهای عربی منطقه و کشورهای غربی از جمله مهمترین چالش های فراروی جمهوری

ماخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

در زمینه مهمترین چالش‌های فراروی جمهوری اسلامی ایران در ساختار ژئوپلیتیکی نوین خاورمیانه، نتایج نشان داد که عواملی نظیر حمایت‌های اقتصادی و سیاسی عربستان از احزاب جدایی طلب در ایران، افزایش حمایت‌های کشورهای منطقه از حزب منحل کوموله، افزایش جاسوس‌های موساد و رژیم تروریستی آمریکا و حمایت‌های اقتصادی و سیاسی ترکیه به احزاب جدایی طلب در ایران، به عنوان مهمترین چالش‌های فراروی جمهوری اسلامی ایران در ساختار ژئوپلیتیکی نوین خاورمیانه محسوب می‌شوند و عواملی نظیر افزایش نفوذ رژیم صهیونیستی در قطر، افزایش نفوذ آمریکا در عراق، جریان‌های تجزیه طلبی ترکیه نظیر پ. ک. ک و گسترش گروهک تروریستی القاعده به عنوان راهبردهای ایران در ساختار ژئوپلیتیکی نوین خاورمیانه محسوب نمی‌شود.

نتیجه‌گیری و دستاورد علمی پژوهشی

پاسخ فرضیه اول

کاهش تنش‌ها و واگرایی‌های منطقه‌ای و افزایش نفوذ سیاسی، فرهنگی و مذهبی از جمله مهمترین راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در ساختار ژئوپلیتیکی نوین خاورمیانه خواهد بود. در راستای پاسخ فرضیه حاضر از مجموع ۱۴ گویه‌های نظرات در زمینه کاهش تنش‌ها و واگرایی‌های منطقه‌ای و افزایش نفوذ سیاسی، فرهنگی و مذهبی از جمله مهمترین راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در ساختار ژئوپلیتیکی نوین خاورمیانه خواهد بود، تشکیل شده است. در راستای آزمون فرضیه‌های حاضر با توجه به اینکه داده‌های حاضر از نوع داده‌ها رتبه‌ای می‌باشند از آزمون‌های ناپارامتریک و آزمون دو جمله‌ای در نرم افزار SPSS استفاده می‌گردد. نتایج کلی مجموع ۱۴ پرسش به صورت جدول ۵ است.

جدول ۵. آزمون فرضیه اول بر اساس مدل دو جمله‌ای

	Category	N	Observed Prop.	Test Prop.	Exact Sig. (1-tailed)
I	Group 1 <= 3	۳	.1	.6	.000 ^a
	Group 2 > 3	32	0.9		
	Total	35	1.0		

a. Alternative hypothesis states that the proportion of cases in the first group <.6.

ماخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

بر اساس مدل دو جمله‌ای، کلیه کارشناسان و اعضای جامعه آماری حوزه مورد نظر، به دو دسته تقسیم بندی می‌شوند، اختصار دسته‌ها به این صورت است که:

دسته اول H1: افرادی که معتقدند کاهش تنش‌ها و واگرایی‌های منطقه‌ای و افزایش نفوذ سیاسی، فرهنگی و مذهبی از جمله مهمترین راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در ساختار ژئوپلیتیکی نوین خاورمیانه خواهد بود. دسته دوم: افرادی که معتقدند کاهش تنش‌ها و واگرایی‌های منطقه‌ای و افزایش نفوذ سیاسی، فرهنگی و مذهبی از جمله مهمترین راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در ساختار ژئوپلیتیکی نوین خاورمیانه نخواهد بود.

بر اساس نتایج مدل بینومال تست، نتایج نشان می‌دهد که از مجموع ۳۵ کارشناس حوزه مورد مطالعاتی، تعداد ۳۲

نفر معتقدند که کاهش تنش ها و واگرایی های منطقه ای و افزایش نفوذ سیاسی، فرهنگی و مذهبی از جمله مهمترین راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در ساختار ژئوپلیتیکی نوین خاورمیانه خواهد بود و نیز ۳ نفر معتقد هستند که کاهش تنش ها و واگرایی های منطقه ای و افزایش نفوذ سیاسی، فرهنگی و مذهبی از جمله مهمترین راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در ساختار ژئوپلیتیکی نوین خاورمیانه نخواهد بود. همچنین با توجه به اینکه $P=0.00$ و از آنجایی که P کوچکتر از ضریب آلفا یعنی ۰.۰۵ شده است از این رو نتایج نشان می دهد که متغیر حاضر در سطح ۹۵ درصد معنادار است.

پاسخ فرضه دوم

گسترش گروهک های تروریستی، تغییر رویکرد کشورهای منطقه در قبال تحریم های آمریکا، افزایش نفوذ آمریکا در مرزهای ایران و افزایش نزدیکی روابط اسرائیل و عربستان از جمله مهمترین چالش های فراروی جمهوری اسلامی ایران در در ساختار ژئوپلیتیکی جدید خاورمیانه است.

در راستای آزمون فرضیه های فرضیه ۲ تحقیق، به ارزیابی تعداد ۲۰ گویه، پرسش های قسمت ج پرسشنامه: گسترش گروهک های تروریستی، تغییر رویکرد کشورهای منطقه در قبال تحریم های آمریکا، افزایش نفوذ آمریکا در مرزهای ایران و افزایش نزدیکی روابط اسرائیل و عربستان از جمله مهم ترین چالش های فراروی جمهوری اسلامی ایران در در ساختار ژئوپلیتیکی جدید خاورمیانه است، می پردازیم. از این رو نتایج آن به صورت جدول ۵-۲ مورد ارزیابی قرار می گیرد:

جدول ۵. آزمون فرضیه دوم بر اساس مدل دو جمله ای

	Category	N	Observed Prop.	Test Prop.	Exact Sig. (1-tailed)
F1	Group 1	<= 3	0	.0	.6
	Group 2	> 3	35	1.0	
	Total		35	1.0	

a. Alternative hypothesis states that the proportion of cases in the first group <.6.

ماخذ: یافته های پژوهش، ۱۳۹۹

بر اساس مدل آزمون دو جمله ای، نتایج نشان می دهد که تمامی ۳۵ نفر از کارشناسان معتقدند که گسترش گروهک های تروریستی، تغییر رویکرد کشورهای منطقه در قبال تحریم های آمریکا، افزایش نفوذ آمریکا در مرزهای ایران و افزایش نزدیکی روابط اسرائیل و عربستان از جمله مهمترین چالش های فراروی جمهوری اسلامی ایران در در ساختار ژئوپلیتیکی جدید خاورمیانه است. از این رو با توجه به اینکه سطح معناداری SIG کوچکتر از ضریب آلفا یعنی ۰.۰۵ شده است، از این رو متغیر حاضر در سطح ۹۵٪ معنادار است و از این رو فرضیه حاضر یا به اختصار فرض $H1$ نیز به اثبات می رسد.

افزایش نقش ایران بیش از هر چیز به دو مؤلفه قدرت ملی شامل: ۱- هویت ژئوپلیتیک؛ ۲- عنصر شیعی، بر می‌گردد. در مورد هویت ژئوپلیتیک، ایران نقطه اتصال مناطق آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی، خلیج فارس و جهان عرب است و در خصوص هویت شیعه، جمهوری اسلامی ایران به عنوان رقیب اصلی ترکیه و عربستان، نقش آفرینی خود را با تأکید بر مدل انقلاب اسلامی پیگیری می‌نماید. پس از حملات ۱۱ سپتامبر و به وجود آمدن جنگ دوم خلیج فارس، با حمله آمریکا و ناتو، ایالات متحده نیز نفوذ خود را در منطقه گسترش یافت و شیطان بزرگ به عنوان اصلی‌ترین دشمن قسم خورده جمهوری اسلامی پس از رژیم صهیونیستی، عراق، افغانستان، قطر، آذربایجان و ترکمنستان را به عنوان پایگاهی به منظور استفاده تسلیحاتی و نظامی خود در آورد. به دنبال ادامه اشغال آمریکا و زیان آن‌ها از گروهک‌های اسلام‌گرا نظیر سپاه المهدی، القاعده و رژیم بعث، آمریکا مجبور به ترک عراق گردید. به دنبال این تغییرات ژئوپلیتیک منطقه دوباره وارد فاز جدیدی شد. پس از آن که ارتش آمریکا مجبور به ترک خاک عراق گردید، نفوذ جمهوری اسلامی ایران نیز در عراق و سوریه بیشتر گردید. و به نوعی با توجه به نظریه کارشناسان عراق و سوریه به عنوان پلی برای خون‌رسانی ایران به منظور تقویت نیروهای همپیمان خود نظیر حزب الله و حماس گشت. سرانجام با هم‌فکری دیپلماسین رژیم صهیونیستی، آمریکا و عربستان سعودی، به منظور کاهش نفوذ و قدرت ایران در منطقه و با حمایت‌های بی‌حد و حصر امارات متحده عربی و عربستان سعودی گروهک‌های ایدئولوژیکی مختلفی در سطح منطقه پدید آمد که به مهمترین آن می‌توان به گروهک داعش اشاره نمود. همواره امنیت ملی حالتی است که ملتی فارغ از تهدید از دست دادن تمام یا بخشی از جمعیت، دارایی، یا خاک خود به سر برد و همچنین از امنیت ملی به عنوان تعقیب روانی و مادی ایمنی است و اصولاً جزء مسئولیت‌های حکومت‌های ملی است تا از تهدیدات مستقیم ناشی از خارج، نسبت به بقای رژیم‌ها، نظام شهروندی و شیوه زندگی شهروندان خود ممانعت به عمل آورند.

تقاضای همزمان دو یا چند کشور برای منابع محدود محیط زیست رقابت شدیدی را ایجاد می‌کند. رقابت‌ها معمولاً در دو حوزه داخلی و خارجی مطرح می‌شود: الف- رقابت در داخل دولت‌ها؛ رقابت دو حزب یا گروه برای دستیابی به جایگاه برتر در نهادهای قدرت مانند مجلس، ریاست جمهوری، نخست‌وزیری و...؛ ب) رقابت خارجی (بین دو یا چند کشور): هر کشور یا ملیت برای دستیابی به سلطه و استیلا، قدرت سیاسی یا قدرت نظامی رقابت میکند؛ برای مثال، رقابت ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی، به عنوان نماینده دو دیدگاه (یکی نمایندگی دموکراسی و دیگری نمایندگی کمونیسم) در جنگ سرد برای سلطه بر جهان رقابت می‌کردند. با توجه به چالش‌های گسترده ایران در منطقه خاورمیانه و عوامل تهدیدزای ایران در منطقه خاورمیانه، پژوهش حاضر به ارزیابی تبیین راهبردی جایگاه ایران در ساختار ژئوپلیتیکی جدید خاورمیانه پرداخته است و از این رو دو هدف شناخت راهبرد جمهوری اسلامی ایران در ساختار ژئوپلیتیکی نوین خاورمیانه و همچنین تعیین مهمترین چالش‌های جمهوری اسلامی ایران فراروی معادلات منطقه‌ای پیش رو را مورد مطالعه قرار داده است. در قسمت فصل سوم یافته‌های تحقیق، به ارزیابی روابط منطقه‌ای جدید ایران و کشورهای خاورمیانه پرداخته است که در این زمینه به روابط ایران و فلسطین، سوریه، لبنان، ترکیه، عراق، قطر، بحرین، اردن، عربستان، عمان، یمن و کویت پرداخته است. در فصل چهارم در قسمت یافته‌های کتابخانه‌ای ابتدا به تنش‌های جمهوری اسلامی ایران و کشورهای منطقه

پرداخته است. در این زمینه ابتدا به تنش های ایران و امارات پرداخته است. در این زمینه مشخص شد ایران و امارات همواره با تنش های بی شماری مواجه هستند که از آن جمله می توان به اختلافات مرزی، مساله قاچاق مواد مخدر و حملات اماراتی ها بر علیه هم پیمان ایران یعنی یمن نام برد.

پس از آن تنش های ایران و عربستان سعودی مورد تحلیل قرار گرفت. در این زمینه ابتدا موانع همکاری های ایران و عربستان سعودی ابتدا مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد تفاوت های قومی - مذهبی، تفاوت ساختارهای سیاسی، تفاوت ساختارهای سیاسی، ساختار های اقتصادی غیر مکمل و بی اعتمادی و رقابت مستمر از مهمترین موانع همکاری ها و تنش های میان ایران و عربستان محسوب می شوند. پس از مساله عربستان، مساله اقلیم کردستان عراق و حضور رژیم صهیونیستی در این منطقه مورد ارزیابی قرار گرفت که در این زمینه نیز مسائل ناامن کردن عقبه کشورهای مخالف اسرائیل، تجزیه عراق، کنترل جریانات فکری در خاورمیانه، کسب مشروعیت و کنترل نظارت بر کشورهای منطقه به عنوان عوامل اصلی حضور اسرائیل در کردستان عراق مطرح شد. پس از موضوع حاضر، روابط ترکیه و رژیم صهیونیستی و تاثیرات آن بر تنش های منطقه ای ایران عنوان شد. پس از موضوع حاضر، مساله واگرایی های منطقه ای ایران مورد ارزیابی قرار گرفت. نقش عربستان در رادیکالیزه شدن بحران امنیتی خاورمیانه، مقابله گرایی عربستان با سیاست صدور انقلاب ایران، تهدید های نرم اقلیم کردستان عراق بر ایران، آینده روابط ترکیه با اسرائیل مورد ارزیابی قرار گرفت. پس از مسائل حاضر بر اساس تحلیل های آماری، ابتدا مهمترین راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در ساختار ژئوپلیتیکی نوین خاورمیانه مورد ارزیابی قرار گرفت که در این زمینه نتایج نشان داد که عواملی نظیر افزایش نفوذ ایران در عراق، افزایش نفوذ ایران در اردن و افزایش نفوذ ایران در یمن و افزایش نفوذ فرهنگ به واسطه اشتراکات تاریخی-فرهنگی و زبانی در کشورهای خاورمیانه به عنوان بالاترین عوامل مهم ترین راهبردهای جمهوری اسلامی ایران محسوب می شوند و عواملی نظیر افزایش نفوذ ایران در کویت، کاهش تنش های ایران و امارات، کاهش تنش های ایران و بحرین و افزایش نفوذ ایران در اردن از جمله به عنوان راهبردهای ایران در ساختار ژئوپلیتیکی نوین خاورمیانه محسوب نمی شود و در مبحث بعد، مهمترین چالش های فراروی جمهوری اسلامی ایران در ساختار ژئوپلیتیکی جدید خاورمیانه نتایج نشان داد عواملی نظیر حمایت های اقتصادی و سیاسی عربستان از احزاب جدایی طلب در ایران، افزایش حمایت های کشورهای منطقه از حزب منحل کوموله، افزایش جاسوس های موساد و رژیم تروریستی آمریکا و حمایت های اقتصادی و سیاسی ترکیه به احزاب جدایی طلب در ایران، به عنوان مهمترین چالش های فراروی جمهوری اسلامی ایران در ساختار ژئوپلیتیکی نوین خاورمیانه محسوب می شوند و عواملی نظیر افزایش نفوذ رژیم صهیونیستی در قطر، افزایش نفوذ آمریکا در عراق، جریان های تجزیه طلبی ترکیه نظیر پ. ک. ک و گسترش گروهک تروریستی القاعده به عنوان راهبردهای ایران در ساختار ژئوپلیتیکی نوین خاورمیانه محسوب نمی شود.

منابع

۱. احمدی، سید عباس، حافظ نیا، محمد رضا، بدیعی ازندهی، مرجان، حیدری موصولو، طهمورت (۱۳۹۶)، تبیین نظری بسترهای شکل گیری رقابت های ژئوپلیتیکی، پژوهش های جغرافیای انسانی، دوره ۵۰، شماره ۱.

۸۲۲ فصلنامه علمی - پژوهشی جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال یازدهم، شماره یک، زمستان ۱۴۰۰

۲. اسدی، علی اکبر (۱۳۹۲)، تغییرات ژئوپلیتیک خاورمیانه بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (۲۰۰۳ - ۲۰۰۹)، رساله دکتری، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی.
۳. اعظمی، هادی (۱۳۸۶)، وزن ژئوپلیتیکی و نظام قدرت منطقه‌ای (بررسی موردی: جنوب غرب آسیا)، فصلنامه ژئوپلیتیک، دوره ۲، شماره ۵-۶.
۴. الزویری، محجوب (۲۰۱۸)، ناگفته‌های روابط ایران و سوریه، مرکز پژوهش‌های خلیج - دانشگاه قطر.
۵. امیری، عباس (۱۳۸۹)، نفوذ اسرائیل در منطقه قفقاز و تاثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
۶. برزگر، کیهان (۱۳۸۸)، «سیاست خارجی ایران از منظر رئالیسم تهاجمی و تدافعی»، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، شماره اول: مرداد.
۷. برزگر کیهان (۱۳۹۰)، نقش ایران و ترکیه در حل بحران سوریه، سایت خبری دیپلماسی ایرانی، ۱۳۹۰/۹/۸.
۸. بهمن. شعیب، (۱۳۹۰)، روسیه و خاورمیانه جدید، فصلنامه علمی - پژوهشی علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، زمستان.
۹. تقی‌لو، فرامرز (۱۳۹۶)، بررسی علل کشمکش سیاسی و ژئوپلیتیک در خاورمیانه پس از ۲۰۱۱ (تعارض محور عربستان - ترکیه با محور ایران - روسیه)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تبریز.
۱۰. حافظ‌نیا، محمد رضا (۱۳۸۵)، مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، تهران: سمت.
۱۱. حافظ‌نیا، محمد رضا (۱۳۷۲)، خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز، انتشارات تهران: سمت.
۱۲. حافظ‌نیا، محمد رضا (۱۳۸۵)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد: انتشارات پاپلی.
۱۳. حسین پوریان، رضا (۱۳۸۵)، تحلیل و بررسی هم‌ژوشی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در تعامل با جمهوری آذربایجان با واقعیت‌های ژئوپلیتیک. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. به راهنمایی پیروز مجتهدزاده. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
۱۴. حقیقت، سید صادق (۱۳۸۵)، مبانی، اصول و اهداف سیاست خارجی دولت اسلامی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۵. خردمند، مجید (۱۳۹۶)، تاثیر ژئوکالچر بر روابط ایران و کشورهای آسیای مرکزی (مطالعه موردی: تاجیکستان)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه جغرافیای سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
۱۶. دانایی، نادر (۱۳۹۲)، بررسی جغرافیای سیاسی آذربایجان شرقی از دیدگاه امنیتی (به همراه ویژگی‌های طبیعی، انسانی، اقتصادی)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه جغرافیای سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
۱۷. دلاور، علی (۱۳۸۹)، روش تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی، تهران: نشر ویرایش.
۱۸. زیموند هینه بوش (۱۳۸۴)، روابط بین‌المللی کشورهای خاورمیانه، ترجمه عسگر قهرمان‌پور، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هشتم، ش ۳.
۱۹. سازمند و قبری، بهاره و لقمان (۱۳۹۱)، آمریکا و رویکرد تلفیقی به امنیت بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر (مطالعه موردی: رویکرد نوین امنیتی ایالات متحده آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای: آمریکا شناسی - اسرائیل شناسی، سال سیزدهم، شماره سوم.
۲۰. سریع‌القلم، محمود (۱۳۷۶)، عقل و توسعه یافتگی، تهران: نشر سفیر.
۲۱. سلوکی، وحید (۱۳۹۶)، بررسی تأثیر دیپلماسی عمومی ایران در رابطه با ترکیه؛ قبل و بعد از کودتای نافرجام، ماهنامه پژوهش ملل، دوره دوم، شماره ۲۰.

۲۲. سیمور مارتین لیپست (۱۳۸۳)، دایره المعارف دموکراسی، ترجمه کامران فانی و همکاران، تهران: وزارت امور خارجه.
۲۳. طیبی، پیام (۱۳۹۶)، رویکردی تحلیلی راهبردی به حقوق بشر و امنیت ملی، پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه غیرانتفاعی مفید قم.
۲۴. عباسی، مجید (۱۳۸۳)، تحلیل امنیت در پارادایم های حاکم بر روابط بین الملل، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هفتم، شماره سوم، شماره مسلسل ۲۵.
۲۵. عباسی، حشمت الل (۱۳۸۹)، تاثیر حضور و نفوذ اسرائیل در آسیای مرکزی طی دو دهه اخیر و تاثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه جغرافیای سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
۲۶. عباسی، عبدالرضا (۱۳۹۲)، بررسی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در گسترش حوزه نفوذ ژئوپلیتیکی (کشور عراق)، پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
۲۷. عزمی، محمود (۱۹۷۹)، النتائج الاستراتيجية للثورة الإيرانية «، مجله شئون فلسطینیه، القا، ۱۳۸۳، <http://asrdiplomacy.ir/>، ۱۳۹۷، ۴۷۳۸۳
۲۸. عمویی، حامد، الهام حسینخانی (۱۳۹۰)، دیدگاه های رهیافت های مختلف روابط بین الملل نسبت به مساله صلح، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، شماره چهاردهم.
۳۰. فحص، هانی (۱۹۷۹)، امام خمینی و فلسطین، بیروت: مجله فلسطین المحتله.
۳۱. فرحزادی، زهرا (۱۳۸۷)، تاثیر روابط اسرائیل و جمهوری اذربایجان بر امنیت جمهوری اسلامی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.
۳۲. قاسمی، نرگس (۱۳۹۱)، ژئوپولیتیک نوین اروپا و تاثیر آن بر روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران (با تاکید بر دوران پس از جنگ سرد و شکل گیری اتحادیه اروپا)، پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه جغرافیای سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
۳۳. قدسی، امیر (۱۳۹۰)، جایگاه سرمایه اجتماعی در بازتولید قدرت نرم ج.ا.ا، فصلنامه راهبرد دفاعی، شماره ۳۰.
۳۴. قوام، عبدالعلی (۱۳۹۰)، روابط بین الملل، نظریه ها و رویکردها. تهران: انتشارات سمت.
۳۵. کاظمی، علی اصغر (۱۳۷۲)، روابط بین الملل در تئوری و در عمل، تهران: قومس.
۳۶. کاظمی، علی اصغر (۱۳۷۲)، دیپلماسی نوین در عصر دگرگونی روابط بین الملل، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۳۷. کرمی، جهانگیر، کالجی، ولی (۱۳۹۳)، الگوهای ضد هژمونیک ایران و روسیه و چین در آسیای مرکزی، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، دوره ۱۷، شماره ۸۵.
۳۸. مجتهد زاده، پیروز (۱۳۸۱)، جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی. انتشارات سمت، تهران.
۳۹. محمدی مرام، محمد (۱۳۹۶)، تاثیر جریان تکفیری داعش بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه جغرافیای سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
۴۰. مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۹)، تحول در نظریه های روابط بین الملل. چاپ اول. تهران: نشر سمت.
۴۱. معلومی، فاطمه السادات (۱۳۸۶)، تاثیر روابط ایران با قدرتهای بزرگ (با تاکید بر امریکا) در گسترش حوزه های نفوذ سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.

۸۲۴ فصلنامه علمی - پژوهشی جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال یازدهم، شماره یک، زمستان ۱۴۰۰

۴۲. ملکی، صادق (۱۳۹۸)، روابط ایران و ترکیه در سایه تحریم، <http://irdiplomacy.ir/fa/news/> ۱۹۸۲۹۳۳
۴۳. ملکی، عباس (۱۳۸۵)، کندوکاو در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، مفاهیم مطرح و فرایند انجام در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، نشریه راهبرد توسعه، شماره ۵.
۴۴. منصوریان، یزدان (۱۳۸۸)، امیدها و تردیدهای پژوهشگران به رویکرد کیفی در فرآیند پژوهش، کتاب ماه کلیات، دوره ۱۳، شماره ۳.
۴۵. موسوی خلخالی، علی (۱۳۹۷)، هیچ کس نمی تواند مانع گسترش و تعمیق روابط ایران و عراق شود/امریکا باید با نفوذ ایران کنار بیاید، <http://irdiplomacy.ir/fa/news/> ۱۹۸۲۱۸۳
۴۶. موسوی، سیدمحمد و بخشی تلایبی (۱۳۹۱)، تأثیر مسائل ایدئولوژیک بر سیاست خارجی عربستان در قبال ایران از سال ۲۰۰۳ به بعد، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین المللی، ۱۱ (۲).
۴۷. میر حسینی، الهام (۱۳۹۱)، مدل نظم در شبکه ژئوپلیتیک خاورمیانه و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه حقوق، دانشکده حقوق، دانشگاه شیراز
۴۸. میرزاد، سید روح الله (۱۳۹۶)، تحلیل اختلافات ایران و عربستان سعودی و تاثیرات آن بر منطقه خاورمیانه، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی، گروه جغرافیای سیاسی، دانشگاه غیرانتفاعی فرهنگ لاریجان.
۴۹. میرکوشش، هوشنگ (۱۳۹۳)، روش پژوهش: تجزیه و تحلیل داده ها، مجله ایرانی روابط بین الملل، <http://www.iirjournal.ir/index.php/fa>
۵۰. میر حیدر، دره (۱۳۷۷)، ژئوپلیتیک: ارائه تعریفی جدید». فصلنامه تحقیقات جغرافیایی. سال سیزدهم، شماره ۴.
۵۱. نامی، محمد حسن (۱۳۹۰)، بررسی و تحلیل ژئوپلیتیکی مرز ایران و عراق و تاثیر آن بر امنیت ملی، پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه جغرافیای سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
۵۲. نظری فرد، تیمور (۱۳۹۴)، بررسی عوامل تسهیل کننده و بازدارنده ژئوپولینومیک ج. ا. ایران در راستای قدرت برتر منطقه ای در آسیای جنوب غربی، پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه علوم جغرافیایی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
۵۳. نوید نیا منیژه (۱۳۹۲)، مسائل فراروی تحقیقات امنیت اجتماعی در ایران، مجله دیدبان امنیت ملی، اسفند، ش ۲۳.
۵۴. ولایتی، علی اکبر (۱۹۹۷)، ایران و فلسطین؛ جذورالعلاقة و تقلبات السیاسه، (ایران و فلسطین، ریشه های روابط و دگرگونی های سیاسی)، ترجمه به عربی: سالم مشکور، بیروت: دارالحق.
۵۵. ویسی، هادی (۱۳۹۴)، مفاهیم و نظریه های جغرافیای سیاسی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها، چاپ اول.
۵۶. هاشمی، مصطفی (۱۳۹۳)، وضعیت ژئوپلیتیک دریاچه خزر از دیدگاه گردشگری، پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه جغرافیای سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
۵۷. هالتر، ماریک؛ لوران، اریک (۱۹۹۴)، مجانبین السلام، بیروت: دارالطلیعه.
58. Beeston. Richard, (2011) "World Fallout from Fukushima and Arab Spring May change politics of Middle East and Far East ", the Times, London, April 4.
59. Cordesman, Anthony. 2010 The Gulf Military Balance in 2010 Center for Strategic
60. and International Studies, available at www.csis.org.
61. Griffiths, Martin, 1992, Realism, idealism, and international politics: a reinterpretation, Routledge.
62. <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1395/07/28/1216443>

63. Huntington, Samuel P, 1999, "The Lonely Superpower", Foreign Affairs, Vol 2 .
64. Idiz, Semih , 2016, "Animosity toward Iran reaches fever pitch in Turkey after Aleppo". Al-Monitor .